

وقتی زندان بودم، خسرو مادرم را از راه بدر کرد

■ پسر جوان که به جرم قتل پدرخوانده‌اش به قصاص محکوم شده وقتی برای چهارمین بار پای چوبه دار رفت به علت حاضر نشدن اولیای دم در مراسم اعدام بار دیگر به زندان برگشت.



هنگام سیرت یک خودرو، مردی را به قتل رسانده و مادرخواست اولیای دم به قصاص محکوم شده است. اما پس از تحمل ۸ سال محکوم شده است.

خوبی داشت اما خیلی بد اخلاق بود؛ همین مسأله باعث اختلاف و درگیری بین ما شد و در نهایت از او جدا شدم. اما از آنجایی که خسرو کسی را نداشت، هر چند وقت یکبار از شمال به خانه‌اش می آمد و کارهایش را انجام می داد؛ حتی برای عید نیز به خانه خسرو آمدم و تمام کارهای خانه را انجام دادم و بعد از آن به شهرم برگشتم و دیگر از سر نوشتن و خوبی ندارم. اظهارات زن میانسالی توسط تیم جنایی مورد بررسی قرار گرفت و تحقیقات نشان می داد که در زمان جنایت در محل حادثه حضور نداشته است؛ اما در تحقیقات محلی مشخص شد که شب حادثه امیر، پسر اقدس به خانه خسرو رفته است.

در استعلام سابقه پسر ۲۶ ساله معلوم شد که او ۱۷ سال ۷۹ تا با اسلحه شکاری

گروه حوادث - این جنایت ۱۰ اسفند سال ۸۶ رخ داد. زمانی که ساکنان یکی از خیابان‌های منطقه دزاشیب با پلیس تماس گرفته و از بوی نامطوبی که از خانه ویلایی همسایه می آمد شکایت کردند، کسی نمی دانست که مرد صاحبخانه به قتل رسیده است. اهالی محل مدعی بودند که چند روزی است بوی نامطوبی از خانه همسایه به مشام می آید و هر چه زنگ خانه خسرو را به صدا درمی آورد کسی در را باز نمی کند.

به دنبال این تماس مأموران کلاتری ۱۰۱ تخریش و آتش نشانی راهی محل شده و با حضور در خانه و بازدید داخل حمام، جسد مرد میانسال را در حالی که داخل نایلون پیچیده شده بود، پیدا کردند. اما آنکه زمان زیادی از مرگ می گذشت، اما متخصصان پزشکی قانونی در تحقیقات علت مرگ را خفگی و فشار با طناب روی گردن اعلام کردند.

بررسی‌ها نشان می داد که قتل در

تازه دامادی که عاشق خواهر شوهر عمه اش شد

حدود ۱۰ ماه از نامزدی من و ترانه می گذشت که یک آگهی مبنی بر تقاضای وام هنوز خواهر بزرگ تر او هم از او اجازت نگرفته بود.

با وجود این، وقتی موضوع را با خانواده ام مطرح کردم، آن‌ها ترانه را برای ازدواج با من مناسب دانستند و معتقد بودند ما در کنار یکدیگر خوشبخت خواهیم شد. با آن که خانواده ترانه کاملاً مخالف این ازدواج بودند و مرا پسری ساده لوح تصور می کردند ولی در برابر اصرار خانواده ام دوام نیاوردند و به خاطر ترانه به این ازدواج رضایت دادند. در این شرایط تصمیم گرفتم خودم را به آن‌ها ثابت کنم و زندگی خوبی را برای ترانه فراهم آورم. می خواستم به خانواده همسرم بفهمانم که نه تنها ساده لوح و مظلوم نیستم بلکه تیزهوش و بلند پرواز هستم. از سوی دیگر، به دنبال مبلغ زیادی بودم تا مقدمات جشن عروسی باشکوهی را فراهم کنم.



حدائق سربار خانواده باشم.

خلایفه، با اندک پس اندازی که داشتم، عازم خدمت سربازی شدم و پس از پایان خدمت دوباره به کارگری روی آوردم تا زندگی مستقلی داشته باشم. در همین روزها، شبی در یک مهمانی خانوادگی برق چشمانم «ترانه» وجودم را از یادش برد. او خواهر شوهر عمه ام بود و من احساس کردم او هم به من علاقه دارد ولی آن‌ها از افراد متوسط جامعه بودند و اوضاع مالی نسبتاً خوبی داشتند. از سوی دیگر «ترانه» خودش را

داشست روی خسرو اثر می کرد که دست و پایش را بستنم و با طناب او را خفه کردم. بعد از جنایت فرار کردم، اما ساعاتی بعد دوباره به آنجا برگشتم و جسد را به داخل وان حمام انداختم. بعد از آن گوشی تلفن همراهم را برداشتم و فرستادم. اما در ورامین هنگام سیرت گوسفندان خودرو را زها کرده و گریختم. سپس خودروی یکی از دوستانم را به امانت گرفتم که روز بعد هنگام سسختگیری در شهرستان امل با شکایت دوستم دستگیر شدم. با توجه به اینکه شکایت از ورامین صورت گرفته بود مرا به زندان فرچک ورامین منتقل کردند.

با اعتراف به قتل منتهی که برای دوامین بار دست به جنایت زده بودم، پس از تکمیل پرونده او در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت.

منتم به دادگاه گفت: تازه از زندان چهارمین بار پای چوبه دار رفت اما با توجه به اینکه اولیای دم هنگام اجرای حکم در زندان رجایی شهر حضور نداشتند، بار دیگر اجرای حکم به تعویق افتاد.

بازداشت تازه داماد قاتل و نوعروس اش

دیه مرا می پردازد من هم شکایت نکردم، اما دیگر باید رفت چه قولی به من داده و هر بار می گفتم پول مرا بنده زیر بار نمی رفت تا اینکه گفتم اگر خسارت مرا ندهد شکایت می کنم، بعد هم یک اسلحه خریدم و به خانه مسعود رفتم تا او را بترسانم.

منتم درباره شب حادثه گفت: مسعود در خانه‌اش مهمانی داشت و من این را می دانستم می خواستم او را بترسانم و جلوی دوستانش تحقیرش کنم تا دیگر نتواند مسن را تهدید کند. وقتی در خانه را باز کردم با سلاح وارد شدم و گفتم اگر پولم را ندهی تورا می کشم و به زور پولم را می گیرم. خیلی ترسید و فرار کرد در راه پله بودیم که تیر شلیک شد. من تیر را شلیک نکردم ماشه خودش چکانده شد.

شهرام در حالی که بنسدت ابراز پیشمانی می کرد گفت: گلوله به دیوار برخورد کرد و بعد وارد بدن مسعود شد. من اصلاً قصدم کشش را با حتی شلیک گلوله نبود.

وی در ادامه گفت: قرار بود ۷ سال قبل مسعود ۱۴ میلیون تومان به من بابت خسارت و هزینه بیمارستانم بدهد، اما او زیر بار نمی رفت. من دلم اشتباه

شد. اما قضات به پرونده ابراد گرفته و آن را به دادسرا برگرداندند تا درباره کمانه کردن گلوله تحقیقاتی انجام دهند؛ بعد از رفع نقض یک بار دیگر پرونده به دادگاه فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست منتم را خواند، مادر مقتول به عنوان ولی دم در جایگاه قرار گرفت و خواستار صدور حکم قصاص شد. او گفت: مسعود جوان موقفی بود. زندگی خوبی داشت و سر به راه بود. جسد وی در حالی که با شلیک گلوله به قتل رسیده بود در راهروی خانه‌اش پیدا شد. همسایه‌ها این گزارش را به مأموران داده بودند.

آنها بعد از حضور پلیس گفتند که درگیری در راهروی ساختمان اتفاق افتاده و مقتول در راه پله مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. بررسی مأموران نشان می داد مسعود شب حادثه میهمان داشته است اما با یکی از دوستانش به نام شهرام درگیر و با او از آپارتمانش خارج شده است تا اینکه دقایقی بعد صدای شلیک گلوله میهمانان را و حشتم زده به راه پله کشاند و آنها با جسد خونین مسعود رو به رو شدند در حالی که شهرام بالای سرش ایستاده بود؛ بلافاصله مرد جوان از سوی پلیس بازداشت اما منکر قتل عمدی دوستش شد و گفت: من به مسعود شلیک نکردم تیر کمانه کرد اول به دیوار خورد و سپس به مسعود اصابت کرد.

هرچند این جوان ادعا می کرد تیر کمانه کرده است اما دادسرا ادعای او را نپذیرفت و پرونده به اتهام قتل عمدی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

بزرگی کردم حالا هم از دادگاه درخواست وقت دارم تا بتوانم رضایت اولیای دم را بگیرم.

بعد از درخواست شهرام و وکیل مدافع اش قضاوت وارد کشور شدند و به منتم دو هفته فرصت دادند تا رضایت مادر مقتول را بگیرد؛ در نهایت بعد از دو هفته شهرام رضایت‌نامه را به دادگاه تحویل داد و به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

بدرین ترتیب صبح دیروز در حالی که شهرام از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاده بود گفت: من اتهام قتل عمدی را قبول ندارم ۷ سال است که زندانم و روزهای سختی را گذراندم هر چه خودم و خانواده‌ام داشتیم بابت در یافت رضایت از خانواده مقتول پرداختیم و الان شرمندم از خانواده‌ام هستم و هیچی نداریم. امیلوارم پس از دفاعیات منتم در پایان جلسه قضات شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و منتم را با احتساب ایام بازداشت به حبس محکوم کردند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...

به یک نیروی کمک حسابدار خانم جهت کار در یک شرکت معتبر نیازمندیم
شماره تماس ۴۴۴۲۳۳۵۲ ساعت تماس ۸ الی ۱۶

استخدام

فروش، نصب و تعمیر
انواع اسپلیت، کولر، یخچال های خانگی و صنعتی، کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

خدمات
فود فور کیش سامانه آنلاین سفارش غذا از رستورانهای جزیره کیش وب سایت و اپلیکیشن www.F4k.ir

به دونفر خانم جهت کار در لابی مجتمع مسکونی نیازمندیم
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۸۱۸۲۵

به یک نیروی آقا(متاهل) جهت سرایداری منزل نیازمندیم (ساکن کیش)
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۴۶

به یک فروشنده خانم جهت کار در فروشگاه کیف و کفش زانه بصورت تمام وقت نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۲۱۰۷۳۲۱۸۱

به یک نفر کارمند خانم مسلط به امور اداری و دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم
۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی
اصل کارت کیشوندی به نام خانم زهره اصغری به شماره پرونده ۱۷۴۸۵۰/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

نیازمندیهای اقتصاد کیش
شرکت چرتکه کیش خدمات حسابداری، حسابداری و مالیاتی آموزش حسابداری و بورس ۰۷۶۴۴۶۶۷۰۲۵ CHORTKEHKISH

دعوت به همکاری شرکت ایمن سیستم مبتکران دارکوب کیش
از افراد ذیل دعوت به همکاری می نماید
۱. نصاب درب اتوماتیک و کرکره برقی
۲. نصاب دوربین مدار بسته
آدرس: درخت سبز صنعت سوم پلاک ۲۷ شماره تماس ۴۴۴۷۳۱۰۳

کارمند اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروراید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعداز ظهر) شیفت بعداز ظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

اصل کارت کیشوندی به نام آقای مهدی جعفر
به شماره پرونده ۱۷۲۱۱۱/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

تاسیسات ساختمان
آب-برق- کلیه امور (کلی و جزئی) توانا ۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

به یک منشی خانم مسلط به کامپیوتر (حتما ساکن کیش) نیازمندیم
ساعت کار: ۹ الی ۱۳ و ۱۷ الی ۲۱ شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۱۴۴۰

به نیروی خدماتی خانم/ آقا با سواد نیازمندیم
نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳ ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود. از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی در باره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.